

آثار منتسب به پیامبر خدا (ص) در ایران

احمد خامه‌یار^۱

مقدمه

آثار پیامبر (ص)، اصطلاحی است که بر متعلقات باقی‌مانده از پیامبر اسلام (ص) و اشیای منتسب به ایشان اطلاق می‌گردد.^۲ این آثار عمدتاً شامل تار ریش‌ها و تار موهایی است که گفته‌اند از ایشان به‌جا مانده است؛ در درجه دوم، قدمگاه‌ها، ملبوسات و لوازم شخصی (نظیر خرقه‌ها و صندل‌ها) و سایر اشیای منسوب به آن حضرت را شامل می‌گردد. در برخی منابع تاریخی فارسی، تعبیر «آثار رسول» (ص) برای دلالت بر تار موهای رسول اکرم (ص)، که در نقاطی از ایران وجود داشته، به کار رفته است.

در منابع تاریخی معاصر دوره مملوکی، به تار موهایی منتسب به پیامبر اسلام (ص) اشاره شده که در برخی از شهرهای جهان اسلام زیارتگاه و مورد توجه مردم بوده است. این پدیده در دوره عثمانی، انتشار چشمگیری یافته است. پادشاهان عثمانی تعدادی تار موی پیامبر (ص) در اختیار داشتند که هر زمان اراده می‌کردند، به دیگران هدیه می‌دادند.^۳ تعدادی از مشایخ صوفیان و خاندان‌های سادات (در جهان اهل سنت) نیز تار موهای دیگری در اختیار دارند که برای اثبات مالکیت خود یا صحت انتساب آن به پیامبر (ص)، اسناد و شجره‌نامه‌هایی ارائه می‌دهند، مبنی بر اینکه این آثار از زمان پیامبر (ص) میان مشایخ یا اجداد آنان

۱. کارشناس ارشد مطالعات اسلامی.

۲. معادل عربی این اصطلاح، «الآثار النبویه»، و معادل انگلیسی آن *relics of Prophet* است.

۳. یکی از مفصل‌ترین تحقیقات در زمینه آثار و تار موهای منتسب به پیامبر (ص) را احمد تیمور پاشا، پژوهشگر فقید مصری انجام داده است. بنگرید به اثر وی: *الآثار النبویه*، القاهرة، مکتبه دارالکتب العربی، چاپ ۱، ۱۹۵۱ م.

دست به دست گشته تا به آنها رسیده است.^۱

آثار منتسب به پیامبر اسلام (ص) از دیرباز تاکنون، در جایگاه‌های ویژه‌ای در بناهای مذهبی مهم از قبیل مساجد جامع، خانقاه‌ها، مقابر و زیارتگاه‌های مهم در تعدادی از شهرهای بزرگ جهان اسلام - به ویژه در مناطق تحت نفوذ پادشاهان عثمانی - نگهداری شده و برای مسلمانان تقدّس خاصی داشته است. امروزه در موزه توپکاپی استانبول، مجموعه قابل توجهی از آثار و اشیای منتسب به پیامبر اسلام (ص) به نمایش گذاشته شده است. این آثار شامل بُرده (خرقه)، عمامه، سجاده، شمشیر، صندل‌ها، قدمگاه، دندان و چند تار موی پیامبر (ص) است.^۲

همچنین در بسیاری از شهرهای بزرگ واقع در قلمرو خلافت عثمانی، جایگاه‌هایی برای نگهداری و زیارت تار موهای پیامبر (ص) وجود دارد. علاوه بر تار موهای موجود در استانبول، می‌توان به این تار موها نیز اشاره کرد: چند تار مو در زیارتگاه رأس‌الحسین (ع) در قاهره، یک تار مو در خانقاه نقشبندیان در قاهره، دو تار مو در طرابلس غرب (پایتخت لیبی)، یک تار مو در بیت‌المقدس،^۳ دو تار مو در مسجد جزّار در شهر عکا در فلسطین اشغالی، و یک تار مو در مسجد جامع شهر نابلس در کرانه باختری فلسطین،^۴ یک تار مو در مسجد جامع شهر طرابلس لبنان،^۵ دو تار مو در هر یک از مسجد جامع و مسجد حبیب نجّار در انطاکیه، سه تار مو در مسجد جامع شهر حلب، سه تار مو در مسجد مغربی در لاذقیه، و تار مویی در زاویه (خانقاه) طریقه سعیدیه در دمشق،^۶ و غیره.

در تعدادی از شهرهای شام و مصر (از جمله بیت‌المقدس، دمشق، حلب، قاهره و طنطا) و نیز در تعدادی از شهرهای هند و بنگلادش، قدمگاه‌هایی منسوب به پیامبر (ص) وجود دارد.^۷ خرقه‌هایی منتسب به ایشان نیز علاوه بر موزه توپکاپی، در نقاط دیگری همچون مسجد خرقه شریف در استانبول و زیارتگاه خرقه رسول (ص) در قندهار نگهداری می‌شود. معرفی و بررسی تفصیلی آثار فوق‌الذکر و سایر آثار پیامبر (ص) نیازمند فرصت مستقل دیگری است و در ادامه این نوشتار تنها به معرفی آثاری که در ایران وجود داشته، پرداخته می‌شود.

۱. به عنوان مثال، بن‌گرید: الحسینی، جمیل حلیم، اسرار الآثار النبویه، بیروت، شرکه دارالمشایع، ط ۲۰۰۷، م، ص ۷۶.

۲. تیمور پاشا، احمد، همان، ص ۷۸-۷۹.

۳. درباره این تار موها، بنگرید: تیمور پاشا، همان، ص ۹۱-۹۸.

۴. مخلص، عبدالله، «الشعرات النبویه»، الهدایة الاسلامیه، مجلد ۵، جزء ۳، شعبان ۱۳۵۱، ص ۱۵۱.

۵. درباره این تار مو، بنگرید: الحسینی، جمیل حلیم، همان، ص ۷۱-۷۵.

۶. مشاهدات و تحقیقات میدانی نگارنده.

۷. برای آگاهی بیشتر درباره قدمگاه‌های پیامبر اسلام (ص) در هند و بنگلادش، بنگرید:

Hasan, Perween, "The Footprint of the Prophet", Muqarnas, volume X, 1993, pp. 335-343.

تار موهای پیامبر (ص) در ایران

بر اساس منابع تاریخی، در گذشته در برخی نقاط ایران نیز آثاری منتسب به پیامبر (ص) وجود داشته که نگارنده موفق به یافتن چهار گزارش درباره این آثار شده است.

یکی از قدیمی‌ترین این اخبار، از حمدالله مستوفی (م ۷۴۰ ق) است. او ضمن معرفی قلعه «نودز» (در آذربایجان) می‌نویسد: «... و در آنجا آثار محمد مصطفی (صلعم) دارند و تأثیری نیکو دارد.»^۱

فصیح خوافی (م بعد از ۸۴۵ ق) نیز از وجود آثار دیگری از حضرت پیامبر (ص) نزد سید شمس‌الدین علی بمی در بم خبر داده است. به گفته وی، زمانی که امیر مبارزالدین محمد مظفر، در سال ۷۵۴ ق، در مسیر خود به سمت شیراز، به شهر بم رسید، از شمس‌الدین علی بمی خواست تا در ازای هر مبلغی که تعیین کند، این آثار را از او دریافت کند. اما او به هیچ وجه حاضر نشد این آثار را به امیر مبارزالدین بدهد. شب‌هنگام رسول اکرم (ص) را در خواب دید که به وی دستور داد: «موی محمد را به محمد مظفر ده!» روز بعد نزد امیر مبارزالدین رفت و آثار را به او تحویل داد و در ازای آن، چیزی از وی قبول نکرد. در نسخه دیگری افزوده شده است که امیر مبارزالدین پیش از رفتن به شیراز، آثار پیامبر (ص) را به دارالسیاده‌ای که در کرمان ساخته بود، فرستاد و تا زمان مؤلف کتاب، در همانجا بوده است.^۲

در شیراز نیز زیارتگاهی معروف به آثار رسول (ص) وجود داشته است. جنید شیرازی (م ۷۹۱ ق) در تألیف خود *سند الازار* (در مزارات و قبور اولیای شیراز) از ابوالسائب نامی سخن به میان آورده است که از پدرش تار مویی از پیامبر را به ارث برد و پس از درگذشت او، آن را بنا بر وصیتش با وی در گورستان دارالسلام شیراز به خاک سپردند. از آن پس، قبر ابوالسائب به جهت وجود تار موی حضرت محمد (ص) در آن، به زیارتگاه تبدیل شد.^۳ در تذکره *هنر مزار* (ترجمه فارسی *سند الازار*)، در این باره به تفصیل چنین آمده است: «شیخ ابوالسائب، که مشهور است به آثار رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - از اولیاء مقربست و می‌گویند پدر او تاجری مال‌دار بود. چون وفاتش رسید، دو پسر داشت؛ پس مال‌های پدر قسمت کردند کما فرض الله. چون بشعره حضرت رسالت - صلی الله علیه و آله و سلم - رسیدند، برادر ابوالسائب گفت بمقراض دو نیم کنیم و هر یک نیمه بستانیم. ابوسائب گفت: موی رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - از آن عزیزتر و جلیل‌تر و شریف‌تر است که به مقراض پاره کنیم، و لیکن می‌ستانم من این کرامت و برکت که خدای تعالی روزی من کرده است و تو تمام مال بستان. بعد از آن برادرش تمام مال بستد و ابوسائب شعره حضرت رسالت - صلی الله علیه و آله و سلم - بستد و بر پشم مالید و در جیب خود بنهاد و در مدت عمر با وی بود

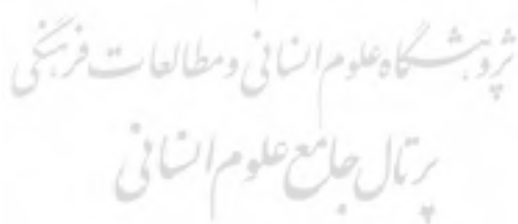
۱. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر، *نزهة القلوب*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، قزوین، طه، چاپ ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲.

۲. فصیح خوافی، احمد بن محمد، *مجمعل فصیحی*، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، چاپ ۱، ۱۳۸۶، ۹۴۵/۲.

۳. شیرازی، معین‌الدین جنید، *سند الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، طهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸، ص ۱۳۵-۱۳۶.

و آن را بوی می‌کرد و بوسه می‌داد و صلوات بسیار بر رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرستاد. چون وفاتش رسید، وصیت کرد که چون مرا بشوئید، کفن مرا بپوشانید و مرا خوش‌بوی و این موی کریمه در چشم راست من نهید، مگر به برکت این شعره کریمه خدای تعالی بر من رحمت کند که مرا هیچ وسیلتی نیست. پس همچنان کردند. بعد از آن یکی از صالحین در خواب دید حضرت رسالت را - صلی الله علیه و آله و سلم - که فرمود مردمان را بگویی که هر کس که او را حاجتی باشد، بر سر قبر ابوسائب بیاید و بطلبد که انشاءالله مرادش حاصل شود. پس خلائق بسیار قصد زیارت او کردند و هر که آنجا می‌رسید، اگر سوار بود، جهت اعزاز پیاده می‌شد، اکرام شعره مبارکه حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - را؛ و مزار او مشهور است میان گورستان رحمت‌الله علیه.»^۱

قبر ابوالسائب تا به امروز در گورستان دارالسلام باقی مانده است و بر روی آن سنگ قبر بزرگی از دوره قاجار وجود دارد که مصحح تذکره هزار مزار، تصویر آن را با عنوان «شعر النبی» منتشر کرده است.^۲ عیسی بن جنید شیرازی - مترجم تذکره شد/الازار - همچنین از مسجدی به نام «خواجه خیر» در محله حوالی مقبره شیخ کبیر در شیراز، یاد کرده است که در آنجا آثار رسول خدا (ص) وجود داشته است. عبارت او در ادامه این مطلب، که «از بهر تبرک آنجا رفتن و نماز گزاردن و زیارت شعر رسول - علیه‌الصلوة و السلام - کردن افضل زیارت‌هاست»، بیانگر آن است که این آثار شامل تار مو یا تار موهایی از پیامبر (ص) بوده است.^۳



۱. شیرازی، عیسی بن جنید، تذکره هزار مزار (ترجمه شد/الازار)، تصحیح دکتر نورانی وصال، شیراز، کتابخانه احمدی، چاپ ۱، ۱۳۶۴ ش، ۱۷۸-۱۷۹.
۲. همان، پیوست تصاویر کتاب (بدون شماره صفحه).
۳. همان، ص ۱۲۲-۱۲۳. در چاپ قدیمی این اثر، از مسجد مورد نظر با عنوان «مسجد خواجه» یاد شده است. بنگرید: هزار مزار، شیراز، کتابخانه احمدی و جهان‌نما، ۱۳۲۰.



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۵ / بهار ۱۳۹۱

سنگ قبر شیخ ابوالسائب در گورستان دارالسلام شیراز
(منبع: شیرازی، عیسی بن جنید، تذکره هزار منار)